

Journal iranian political sociology

Vol. 4, No.4, winter2022

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.294145.1959>

Degradability or non-decomposability of claims for commercial documents in terms of subject matter and opinions issued

Abstract:

In most lawsuits, we are dealing with the plaintiff or the defendant. In this case, the effect of the actions of each of the plaintiffs on each other can be analyzed only in the form of proving the lawsuit by the plaintiff and rejecting it by the defendant. Each of the multiple plaintiffs or defendants, in addition to proving the claim on one side or rejecting it on the other side, may also be effective against the other plaintiffs or defendants, which will add to the complexity of the case. In general, in claims for commercial documents, the decomposability or non-decomposability of the votes issued depends on the cause that caused the violation of the right of the protester. If this is a common cause among all the officials of the commercial document, the violation of the vote due to the protest of one of the officials will be effective against the others. In fact, the main question is whether these claims can be decomposed and if a part of the request is the case for voting, or not, and the possibility of filing a claim for a commercial document in Are there several cases in each of which we claim a part of the document or not? It seems that the separability of claims for commercial documents is subject to general rules in terms of subject matter and has no special features.

Keywords: Decomposability of opinions - claims - commercial documents

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.294145.1959>

تجزیه پذیری یا عدم تجزیه پذیری دعاوی مطالبه اسناد تجاری از حیث موضوع و آراء صادره

احمد حسینی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۷

رسول مقصود پور^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۷

سید احمد علی هاشمی^۳

چکیده

در اغلب دعاوی با خواهان یا خوانده واحد و پرو هستیم در این صورت تأثیر اقدامات هر یک از اصحاب دعوی بر یکدیگر صرفاً در قالب اثبات دعوی از ناحیه خواهان و در مقابل رد آن از ناحیه خوانده قابل تحلیل است. اما در دعاوی که خواهانها یا خواندگان متعددی در اقدامات هر یک از خواهانها یا خواندگان متعدد علاوه بر اینکه در جهت اثبات ادعا از یک طرف یا رد آن از طرف مقابل مطرح می‌گردد ممکن است نسبت به سایر خواهانها یا خواندگان نیز موثر باشد که این امر بر پیچیدگی دعوی نیز خواهد افزود. بصورت کلی در دعاوی مطالبه اسناد تجاری، تجزیه پذیری یا عدم تجزیه پذیری آراء صادره تابع علتی است که موجب نقض رای در حق معترض گردیده است. چنانچه این علت مشترک بین همه مسئولین سند تجاری باشد نقض رای بواسطه اعتراض یکی از مسئولین در حق دیگران هم موثر خواهد بود به عبارت دیگر رای غیرقابل تجزیه خواهد بود و در غیر این صورت رای قابل تجزیه خواهد بود. مسئله دیگر امکان تجزیه دعاوی مطالبه اسناد تجاری از حیث موضوع است در واقع سوال اساسی آن است که آیا می‌توان این دعاوی را تجزیه نمود و چنانچه نسبت به قسمتی از خواسته، پرونده معد صدور رای باشد اتخاذ تصمیم نمود یا خیر و دیگر اینکه امکان طرح دعاوی مطالبه وجه یک سند تجاری در پرونده های متعدد که در هر یک از آنها بخشی از وجه سند را مطالبه نماییم وجود دارد یا خیر؟ بنظر می‌رسد تجزیه پذیری دعاوی مطالبه اسناد تجاری از حیث موضوع تابع قواعد عمومی بوده و دارای ویژگی خاصی نمی‌باشد. پژوهش حاضر با روش تفسیری-کیفی موضوع مذکور را بررسی نموده و روش جمع آوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای و اسنادی بوده است.

کلید واژگان: تجزیه پذیری آراء، دعاوی، اسناد تجاری

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران

^۲ استادیار، گروه حقوق، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران (نویسنده مسئول) ایمیل نویسنده مسئول:

maghsoudpour@gmail.com

^۳ استادیار، گروه حقوق، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران

تجزیه پذیری آراء ناظر به دعاوی است که با چند خواهان یا خواننده یا به عبارت دیگر با تعدد اصحاب دعوی روبرو هستیم در این صورت حسب اینکه رأی به نفع خواهانها یا خوانندگان صادر گردد و از بین محکوم علیهم، تنها تعدادی و نه همه آنها نسبت به رأی یکی از طرق اعتراض وخواهی، تجدید نظرخواهی یا فرجامخواهی را انتخاب نمایند و رأی در اثر اعتراض آنها فسخ گردد این سوال اساسی مطرح می گردد که آیا فسخ رأی در حقوق دیگران هم موثر می باشد یا خیر؟ این سوال به نحو دیگری هم قابل مطرح شدن است و آن اینکه در صورت تعدد محکوم لهم چنانچه محکوم علیه در یکی از طرق اعتراض که انتخاب می نماید برخی از محکوم لهم و نه همه آنها را طرف اعتراض خود قرار دهد و رأی فسخ گردد آیا رأی جدید شامل آن دسته از محکوم لهم که در دادخواست اعتراض نام آنها ذکر نگردیده است نیز می شود یا خیر؟ ماده ۳۰۸ ق.آ.د.م در باب وخواهی مقرر داشته که: «رأیی که پس از رسیدگی وخواهی صادر می شود فقط نسبت به وخواننده و وخواه موثر است و شامل کسانی که وخواهی نکرده اند نخواهد شد...» همین حکم در ماده ۳۵۹ ق.آ.د.م راجع به تجدید نظرخواهی و در ماده ۴۰۴ ق.آ.د.م راجع به فرجامخواهی تکرار گردیده است. صدر مواد فوق اصلی را انشاء می نماید که با اصول دادرسی مخصوصاً اصل مندرج در ماده ۲ ق.آ.د.م مطابقت دارد، در واقع اصل بر قابل تجزیه و تفکیک بودن احکام است و تصور اعتبار جزئی از حکم و اجرای آن نسبت به تعدادی از آنها و نقض آن نسبت به تعداد دیگر امکان پذیر، و غیر قابل تجزیه بودن آراء امری استثنائی و نادر است. غیر قابل تجزیه بودن آراء محاکم در صورتی است که قانوناً، عقلاً یا طبیعتاً تصور اعتبار بخشی از حکم و بی اعتباری بخش دیگری از آن غیر ممکن است^۴ در خصوص اسناد تجاری با توجه به قابلیت نقل و انتقال آنها از یک طرف و نیز امتیازات و ویژگی های خاصی که قانونگذار برای آنها مقرر نموده از طرف دیگر، غالباً افراد متعددی در برابر دارنده مسئولیت پرداخت پیدا می نمایند و در واقع با تعدد خوانندگان روبرو هستیم که خود منبعت از وصف مسئولیت تضامنی امضاء کنندگان سند تجاری نیز هست، این وصف حتی به رسیدگی توأمان پرونده ها و در نتیجه ایجاد تعدد اصحاب دعوی هم ممکن است منجر شود چنانچه دعاوی مطالبه وجه چکی به طرفیت صادر کننده در یک دادگاه و به طرفیت ظهرنویس در دادگاه دیگری اقامه شود، امکان رسیدگی در دو دادگاه مختلف وجود ندارد زیرا اقامه دعوی بر علیه دو نفر نیاز به حکم تضامنی دارد و در این مورد، مسئولیت تضامنی در برابر دینی واحد می باشد، بنابراین با استفاده از ماده ۸۹ و ماده ۸۴ قانون آئین دادرسی مدنی، به یک شعبه هر دو دعوا ارجاع می گردد تا اقدام به صدور حکم تضامنی کند و حکم را علیه هر دو نفر اجرا کند «دعاوی طاری و شرایط اقامه آن، دکتر رسول مقصود پور، انتشارات مجد» از سوی دیگر در کنار مسئولیت تضامنی امضاء کنندگان سند تجاری، ویژگی ها و مزایای خاص دیگری برای این اسناد در نظر گرفته شده که این ویژگی ها، شکل خاصی به تجزیه پذیری یا عدم تجزیه پذیری دعاوی مرتبط با آنها می دهد، اصل استقلال امضائات و عدم توجه ایرادات در برابر دارنده با حسن نیت از جمله این ویژگی ها است که در تجزیه پذیری و یا عدم تجزیه پذیری آراء صادره در این دعاوی تاثیر گذار خواهد بود. در این مقاله ابتدائاً اشاره ای بر تجزیه پذیری دعاوی مطالبه اسناد تجاری از حیث موضوع که بنظر می رسد تابعی از ویژگی های خاص اسناد تجاری نیست خواهیم داشت سپس ضمن بررسی دعاوی اسناد تجاری و دفاعیاتی که موجب نقض آراء صادره در این دعاوی می گردد درباره تاثیر این دو ویژگی و نیز سایر عللی که موجب نقض آراء صادره در خصوص این اسناد می گردد بر تجزیه پذیری یا عدم تجزیه پذیری این آراء

^۴ - آئین دادرسی مدنی، جلد دوم، دکتر عبدا... شمس، انتشارات میزان چاپ دوم ص ۳۳۳ شماره ۶۶۷

خواهیم پرداخت و در نهایت سعی خواهیم کرد معیاری قابل قبول جهت تشخیص تجزیه پذیری این دعاوی ارائه و مشخص نماییم که آیا معیار تجزیه پذیری یا عدم تجزیه پذیری آراء صادره در خصوص اسناد تجاری با سایر دعاوی متفاوت است یا خیر؟

مبحث اول: تجزیه پذیری دعاوی مطالبه اسناد تجاری از حیث موضوع

تجزیه پذیری دعاوی مطالبه اسناد تجاری از حیث موضوع به دو شکل قابل طرح خواهد بود فرض اول جایی است که وجه یک سند تجاری مطالبه شده و نسبت به قسمتی از وجه مورد ادعا با توجه به اقرار خواننده یا احراز ذی حقی خواهان توسط دادگاه از هر طریق دیگر، پرونده معد صدور رای باشد و نسبت به بقیه وجه سند تجاری تحقیقات بیشتری نیاز باشد، آیا در چنین فرضی دادگاه می تواند نسبت به آن قسمت اقدام به صدور رای نماید یا اینکه صدور رای مستلزم رسیدگی به کل مبلغ مورد مطالبه می باشد فرض دیگر جایی است که دارنده سند تجاری با ادعای اینکه کل مبلغ سند را طلبکار می باشد قسمتی از آن را مطالبه نموده و حق خود را بابت مطالبه مابه التفاوت وجه مورد خواسته با مبلغ کل سند تجاری محفوظ نگه دارد که فروض مذکور را بصورت مجزی مورد بررسی قرار خواهیم داد:

۱- صدور رای نسبت به قسمتی از وجه سند تجاری که کل آن مورد مطالبه قرار گرفته است :

رویه قضایی در پاسخ به سوال فوق متشنت است و مفهوم تجزیه دعوی و دعوی غیر قابل تجزیه و تفکیک همواره مورد بحث و تبادل نظر قضات دادگستری بوده است در نشست قضایی دادگستری شهرکرد پرسشی مطرح شده که در صورت قابل تجزیه بودن دعوا آیا دادگاه ملزم به صدور رای است یا می تواند پس از تکمیل پرونده نسبت به همه قسمتها رای صادر کند؟ نظر اتفاق قضات به وجود اختیار در صورت عدم درخواست خواهان و الزام در صورت درخواست می باشد. اما کمیسیون آئین دادرسی مدنی در پاسخ ضمن تایید نظر اتفاق قضات مثالی برای تجزیه دعوی آورده است «... مثلاً در دعوی خلع ید که با مطالبه اجرت المثل همراه باشد و دادگاه مالکیت خواهان را احراز کند و پرونده برای صدور حکم خلع ید آماده باشد برطبق درخواست، دادگاه مکلف به صدور حکم خلع ید از ملک مغضوبه است لیکن چون مطالبه اجرت المثل مستلزم جلب نظر کارشناس و عندالافتضا جلب هیات کارشناسان است ... به عبارت دیگر در مورد قابل تجزیه بودن دعوا در صورتی که قسمتی از خواسته معد به صدور رای بوده و خواهان چنین درخواستی کند محکمه مکلف به قبول تقاضاست .

۲- صدور رأی نسبت به دعوی مطالبه قسمتی از وجه سند تجاری :

در این خصوص موضوع اساسی آن است که آیا دارنده سند تجاری می تواند علیرغم ادعای ذی حقی خود نسبت به کل وجه سند تجاری در یک پرونده، بخشی از آنرا مطالبه کند و یا اینکه با تقسیم مبلغ سند تجاری هر قسمت آنرا در پرونده ای مجزی مطالبه نماید یا اینکه بعلت عدم تجزیه پذیری دعوی می بایستی کل مبلغ سند تجاری را در یک پرونده مطالبه نماید . در فرض طرح پرونده های متعدد دادگاه می تواند با استفاده از ماده ۱۰۳ قانون آئین دادرسی مدنی قرار رسیدگی توأمان پرونده ها را صادر تا از صدور آراء متعارض جلوگیری نماید لکن مشکل آنجا است که دارنده سند تجاری فقط بخشی از وجه سند تجاری را مطالبه نماید و مدعی استحقاق خود نسبت به کل وجه چک نیز می باشد مسئله اساسی تاثیر صدور رای در خصوص قسمت مورد مطالبه در دعاوی مطالبه قسمت دیگر سند تجاری است به عبارت دیگر استنباط دادگاه از ذی حقی یا عدم ذی حقی دارنده سند تجاری نسبت به دعوی مطالبه قسمتی از وجه سند تجاری با فرض اینکه دارنده خود را مستحق در کل وجه سند تجاری می داند در پذیرش یا عدم پذیرش دعوی مطالبه قسمت دیگر سند تجاری چیست؟ رویه قضایی هم در این خصوص متشنت است فی المثل رأی شعبه هشتم دادگاه عمومی حقوقی مشهد در این خصوص قابل

توجه است در پرونده مذکور خواهان دعوی دادخواستی به طرفیت خواندگان به خواسته مطالبه مبلغ ۳۱۶/۴۰۷/۲۳ ریال بابت قسمتی از وجه یک فقره چک به مبلغ صد و پنجاه میلیون ریال تقدیم شورای حل اختلاف نموده است. به جهت عدم شناسایی خواندگان رسیدگی به صورت غیابی انجام و رای غیابی دایر بر محکومیت خواندگان به پرداخت ۳۱۶/۴۰۷/۲۳ ریال بابت قسمتی از وجه یک فقره چک به مبلغ صد و پنجاه میلیون ریال صادر گردیده است. با وخواهی محکوم علیهما، وخواهان مدعی ضمانتی بودن چک مستند دعوی بوده و صدور و تحویل آن را بابت ضمانت حسن انجام کار احد از وخواهان که کارمند وخوانده بوده است بیان نموده و منکر هر گونه بدهی به وخوانده گردیده اند. وخواهان در راستای اثبات مدعای خود دلایل و مدارکی را به مرجع رسیدگی کننده تحویل داده اند که نهایتاً وخواهی وارد تشخیص دادنامه بدوی نقض شده و حکم به رد دعوی خواهان اصلی صادر شده است. با تجدید نظر خواهی شرکت (خواهان دعوی اصلی) پرونده به شعبه ۸ دادگاه عمومی حقوقی مشهد ارجاع گردیده است. دادگاه با صدور اخطار رفع نقض دایر بر لزوم ارائه توضیح در خصوص میزان مطالبات خواهان از خواندگان از وکیل شرکت (خواهان دعوی اصلی) در این باره که آیا نسبت به مابه التفاوت مبلغ خواسته تا مبلغ چک مستند دعوی، ادعایی دارد یا خیر سوال نموده است که وکیل خواهان، حق موکل خود را جهت مطالبه این مابه التفاوت در آینده محفوظ دانسته است. دادگاه با این استدلال که اختلاف طرفین در خصوص اصل استحقاق وجه چک بوده و نه میزان آن، و نیز اینکه این امر قابل تجزیه نیست و در صورت اثبات استحقاق و یا عدم آن، این استنباط قابل تسری به کل مبلغ چک بوده و با صدور حکم در مورد قسمتی از وجه چک و قطعی شدن رای صادره دیگر اعتراض طرفین در مابقی وجه چک قابل استماع نبوده و اصحاب دعوی در خصوص مبالغی که مورد خواسته نبوده نیز چاره ای جز قبول رای اولیه نداشته و عملاً شورای محترم حل اختلاف بدون تراضی طرفین به دعوی بیشتر از صلاحیت خود رسیدگی نموده و به موضوعی وارد شده که مورد خواسته خواهان اولیه نبوده است چون خواسته مطالبه قسمتی از وجه چک بوده نه اظهار نظر در مورد اصل استحقاق که قابل تسری به کل مبلغ چک می باشد ضمن نقض رای معترض عنه قرار رد دعوی اولیه را صادر و اعلام نموده است.^۵

مبحث دوم: تجزیه پذیری آراء دعاوی مطالبه وجه اسناد تجاری

برخلاف تجزیه پذیری دعاوی مطالبه وجه اسناد تجاری از حیث موضوع که تابع قواعد عمومی بوده و خصوصیت خاصی ندارد تجزیه پذیری آراء صادره در این دعاوی کاملاً متأثر از اوصاف خاصی است که قانونگذار برای این اسناد مقرر نموده است. علاوه بر اینکه اسناد تجاری معمولاً به گردش درآمده و افراد متعددی تحت عناوین مختلف آنرا امضا می نمایند که همگی دارای مسئولیت تضامنی در مقابل دارندة هستند که خود موجب تعدد خواندگان دعاوی مطالبه وجوه این اسناد می گردد. ویژگی های دیگر این اسناد از جمله اصل استقلال امضائات و عدم توجه ایرادات در برابر دارندة با حسن نیت در تجزیه پذیری یا عدم تجزیه پذیری آراء صادره در این دعاوی موثر خواهند بود که در این بخش به بررسی تاثیر این دو ویژگی و نیز سایر عللی که موجب نقض آراء صادره در این خصوص میگردد بر تجزیه پذیری یا عدم تجزیه پذیری آراء این دعاوی خواهیم پرداخت.

۱- اصل استقلال امضائات

^۵ - صدور قرار رد دعوی در خصوص مطالبه وجه قسمتی از یک فقره چک - سید محسن حسینی پویا - مجید نجات زادگان - فصلنامه رای:

مطابق با این اصل هرگاه صادر کننده برات فاقد اهلیت معامله باشد تعهد او باطل است، لکن تعهد مسئولان دیگر برات به قوت خود باقی خواهد بود این امر «اصل استقلال امضاءات» نامیده می شود.^۶ استقلال امضاءات در قوانین کشورهای مختلف پذیرفته شده است ماده ۷ قانون متحد الشکل ژنو نیز در این خصوص مقرر داشته است که: «در صورتی که برات متضمن امضای اشخاصی باشد که برای متعهد کردن خود به وسیله برات اهلیت ندارند، مسئولیت اشخاص دیگری که برات را امضاء کرده اند به جای خود باقی است» توجه به این اصل با در نظر گرفتن موارد نقض آراء دادگاهها در خصوص اسناد تجاری مبین تاثیر اساسی آن در تجزیه پذیری یا عدم تجزیه پذیری دعاوی مرتبط با آنها می باشد. عمده علل نقض آراء مرتبط با این اصل به اثبات عدم اهلیت یا جعل امضای یکی از امضاء کنندگان و یا عدم مشروعیت جهت صدور سند تجاری بر می گردد که ذیلاً به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

۱-۱-۱ عدم اهلیت یکی از امضاء کنندگان سند تجاری

چنانچه سند تجاری به گردش درآمده و افراد متعددی تحت عنوان صادر کننده، ظهرنویسی یا ضامن آنرا امضاء کرده باشند و در نهایت سند در زمان وصول پرداخت نگردد، دارنده براساس اصل مسئولیت تضامنی امضاء کنندگان سند تجاری، حق طرح دعوی علیه تمامی آنها را در یک دعوی خواهد داشت و دادگاه حکم به محکومیت تضامنی خواندگان صادر خواهد نمود. فرض نماید در چنین وضعی خواندگان بصورت غیابی محکوم شده باشند و یکی از خواندگان که می تواند صادر کننده یا ظهر نویس و یا ضامن باشد، نسبت به رأی محکومیت واخواهی نموده و علت اعتراض به رأی را نیز عدم اهلیت خود اعلام نماید مثلاً مدعی است که در هنگام امضای سند تجاری ضعیف یا دچار جنون بوده است. با فرض احراز صحت ادعای واخواه، علی القاعده حکم دادگاه نسبت به او نقض خواهد شد. پرسش آن است که آیا نقض رأی در حق دیگر محکوم علیهم یعنی سایر امضاء کنندگان سند تجاری نیز موثر است یا خیر؟ به عبارت دیگر رأی این دعوا تجزیه پذیر یا غیر قابل تجزیه است؟ مطابق با اصل استقلال امضاءات، باید رأی این دعوی را قابل تجزیه دانست همانطور که گفتیم مطابق با این اصل، مسئولیت هر یک از امضاء کنندگان سند تجاری در برابر دارنده فارغ از مسئولیت سایر امضاء کنندگان برقرار می گردد و با منتفی شدن مسئولیت یکی از آنها مسئولیت دیگران پابرجا خواهد بود. این موضوع به صراحت در ماده ۷ قانون متحدالشکل ژنو تأکید گردیده است لهذا با فرض پذیرش ادعای عدم اهلیت یکی از امضاء کنندگان سند تجاری و نقض رأی بدین جهت در اثر واخواهی یا اعمال یکی از دیگر از طرق اعتراض همچون تجدید نظر خواهی، فرجام خواهی یا اعاده دادرسی، چنانچه سایر محکوم علیهم نسبت به رأی اعتراض ننموده و موجبات نقض رأی را فراهم نیاوردند نقض رأی در حق آنها موثر نخواهد بود و کماکان مسئول شناخته می شوند.

۱-۱-۱-۱ اوضاع خاص ضامن

تعهد ضامن سند تجاری عبارت است از پذیرش مسئولیت پرداخت مبلغ سند تجاری، در صورت عدم پرداخت آن توسط مضمون عنه.^۷ طبق ماده ۲۴۹ قانون تجارت، ضامن مسوولیت تضامنی دارد به همین دلیل در صورت متعدد بودن ضامنها هر یک از آنها برای تمام مبلغی که ضمانت کرده اند مسئول می باشند با این وجود از آنجا که او مسئول اصلی نیست بلکه ضامن است، تعهد ضامن به همان میزان تعهد مضمون عنه می باشد. ماده ۲۴۹ قانون تجارت به صراحت بیان می کند که «ضامنی که

^۶ - حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد دروجه حامل و چک) دکتر ربیعا اسکینی چاپ سوم - انتشارات سمت صفحه ۵۷

^۷ - حقوق تجارت اسناد تجاری جلد سوم دکتر محمود عرفانی، انتشارات جنگل. چاپ اول، ۱۳۸۸، صفحه ۳۸

ضمانت برات دهنده یا محال علیه یا ظهرنویس را کرده باشد، فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت کرده است. « حال این سوال مطرح می شود که چنانچه فردی از یکی از امضاء کنندگان سند تجاری ضمانت کرده باشد که آن فرد فاقد اهلیت بوده و رای محکومیت او به همین خاطر نقض شده باشد آیا با تحصیل برات ذمه او ذمه ضامن آن فرد هم بری می شود؟ اگر چه دارنده به اندازه ای حق مراجعه به ضامن را دارد که ضامن از مسوول اصلی ضمانت کرده است با این وجود در مورد فقدان اهلیت، ضامن همچنان مسوول می باشد.

۲-۱- جعل امضاء

پیش از آنکه سند تجاری توسط صادر کننده امضاء شود بر آن هیچ اعتباری مترتب نیست هر چند خود صادر کننده مندرجات آن را نوشته باشد. این قاعده مخصوص اسناد تجاری نمی باشد بلکه در مورد تمامی اسناد صدق می کند. در حالتی که امضای صادر کننده جعل شده، سند تجاری فاقد اعتبار است چونکه امضای مجعول نشان از رضایت کسی که امضاء به او منتسب است ندارد بنابراین شخصی که امضایش جعل شده، در مقابل هر دارنده ای به جعلی بودن امضاء می تواند ایراد کند و از مسئولیت مبرا شود.^۸ این قاعده در خصوص سایر مسئولین سند تجاری نیز صادق است یعنی با اثبات جعلیت امضای خود مسئولیتی در پرداخت آن نخواهند داشت. سوالی که مطرح می شود آن است که اثبات جعلیت امضای یکی از مسئولین سند تجاری موجب بی اعتباری آن گردیده و سایر مسئولین و امضاء کنندگان نیز بری الذمه خواهند شد یا خیر؟ در خصوص اسناد غیر تجاری جعل امضای یکی از امضاء کنندگان ممکن است بر مسئولیت سایرین نیز تاثیر گذار باشد مثلاً الف با جعل امضاء ب ملک او را به خود منتقل می نماید، سپس او همان ملک را به شخص ج می فروشد و ج نیز ملک مذکور را به د منتقل می نماید در این فرض علیرغم اینکه ج و د از جعل امضای ب هیچ گونه اطلاعی ندارند با اثبات مجعول بودن امضای ب قرارداد او با الف باطل گردیده و معاملات بعدی یعنی معامله بین الف و ج و معامله ج با د و اسناد تنظیمی بین آنها نیز باطل می گردد.

به موجب اصل استقلال امضائات، وضعیت امضای صادر کننده در تعهدات افراد دیگری که سند تجاری را امضاء می کنند موثر نیست. مثلاً در برات ظهرنویس و براتگیری که برات را قبول نموده در مقابل دارنده مسئول است این اصل به صراحت در قانون تجارت ما پیش بینی نشده است ولی حقوقدانان آنرا پذیرفته اند^۹ در ماده ۱۱۴ قانون تجارت فرانسه این اصل پذیرفته شده است و این امر منطقی است چه هر امضاء کننده ای با امضای سند تجاری اراده خود را مبنی بر پرداخت وجه آن به دارنده برات اعلام کرده است و دارنده بصرف ملاحظه ظاهر صحیح سند تجاری حق دارد به مسئولانی که رضایت خود را ابراز کرده اند رجوع کند نتیجه آنکه در آراییی که مبنی بر محکومیت تضامنی مسئولین سند تجاری صادر گردیده چنانچه بر اثر اعتراض یکی از محکوم لهم و اثبات جعلی بودن امضای او رای محکومیت نسبت به او نقض گردد این نقض رای در حق دیگر مسوولین سند تجاری موثر نیست نتیجه اینکه در چنین موضوعی باید قائل به قابلیت تجزیه آراء محاکم در خصوص اسناد تجاری باشیم.

۳-۱- عدم مشروعیت جهت صدور یا انتقال سند تجاری

مطابق با بند ۳ ماده ۱۹۰ قانون مدنی ایران مشروعیت جهت بعنوان یکی از شرایط صحت معامله بیان شده است. در حقوق فرانسه نیز علت مشروع که یکی از شرایط اساسی صحت معاملات است در مورد برات نیز باید وجود داشته باشد، حتی سابقاً

۹- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، ج ۳، ص ۲۷

می بایستی در برات علت صدور برات که برای چه امری بوده در ورقه برات قید می گردید. قانون ۸ فوریه ۱۹۲۲ این قید را منتفی کرد چه اینکه به موجب ماده ۱۱۳۲ قانون مدنی آن کشور، صحت قراردادهای منوط به قید علت در آن قرارداد نیست در نتیجه ضرورت قید علت صدور برات در ورقه برات منتفی است.^{۱۰} مطابق با ماده ۲۱۷ قانون مدنی ایران نیز «در معامله لازم نیست جهت آن تصریح شود ولی اگر تصریح شده باشد باید مشروع باشد و الا معامله باطل است» با توجه به اینکه در قانون تجارت ایران بخشی راجع به جهت تعهدات اسناد تجاری اختصاص داده نشده، این سوال مطرح می شود که برای مراجعه به امضاء کنندگان سند تجاری آیا اسناد مذکور می بایستی دارای جهت مشروع باشند یا خیر؟ بدیهی است که صحت صدور یا انتقال اسناد تجاری مانند هر عمل حقوقی دیگر موکول به مشروعیت جهت آن است لهذا هرگاه سند تجاری برای معاملات نامشروع همچون خرید و فروش مواد مخدر یا مشروبات الکلی یا بدهی ناشی از شرط بندی و مانند آن صادر شده یا منتقل شده باشد باطل است. چنانچه در متن سند تجاری علت نامشروع قید شده باشد دارندگان متوالی سند تجاری حق مراجعه به امضاء کنندگان سند را نخواهند داشت زیرا بدلیل بطلان سند تجاری مسئولیت تضامنی وجود ندارد تا به استناد آن از کسی که سند را امضاء نموده بتوانیم وجه آن را مطالبه کنیم در این حالت باید از قاعده حقوقی دارا شدن بلا جهت که یک قاعده غیر قراردادی می باشد استفاده کنیم.^{۱۱} حالتی که در سند تجاری علت نامشروع قید نشده است استقلال آن و طبیعت سند تجاری نسبت به تعهد اصلی ایجاب می کند که عدم مشروعیت معامله ای که اساس صدور سند تجاری بوده به دارنده آن ربطی نداشته باشد چنین دارنده ای علی القاعده با حسن نیت تلقی می گردد مگر خلاف آن اثبات شود. در مقابل طرفین قرارداد اصلی، یا دارندگان با سوء نیت یعنی افرادی که به نامشروع بودن جهت صدور سند تجاری آگاهی دارند ایراد بطلان تعهد سند تجاری به تبع بطلان تعهد اصلی پذیرفته می شود.

۲- اصل عدم توجه ایرادات در مقابل دارنده با حسن نیت

مطابق با اصل عدم توجه ایرادات در مقابل دارنده با حسن نیت، کلیه ایرادات ناشی از تعهد پایه که نهایتاً منجر به صدور سند تجاری جهت پرداخت شده است به هیچ وجه در مقابل دارنده مسموع نیست مشروط به اینکه دارنده از این ایرادات مطلع نباشد و یا سند را با تقلب تحصیل نکرده باشد. براساس ماده ۱۶ کنوانسیون ژنو دارنده قانونی برات زمانی از حقوق خود محروم می گردید که سند را با سوء نیت یا خطای سنگین کسب نموده باشد. همچنین به موجب ماده ۱۷ همان کنوانسیون، امضاء کنندگان برات که علیه آنها دعوی طرح شده نمی توانند در مقابل دارنده برات به روابط خصوصی خود با دارندگان قبلی برات یا برات کش استناد نمایند مگر آنکه دارنده مذکور در زمان دریافت برات با سوء نیت به زیان مدیون یا مسئول پرداخت عمل کرده باشد. اصطلاح دارنده حمایت شده در ماده ۲۹ کنوانسیون آنیسترال منظور دارنده سندی است که به هنگام تصرف وی، سند مزبور کامل بوده و یا با تجویز پاراگراف ۱ ماده ۱۲ کنوانسیون اخیر توسط دارنده طبق اختیارات تفویض شده پس از احراز شرایط مندرج در آن ماده تکمیل گردد.^{۱۲} در حقوق ایران اگر چه در خصوص پذیرش این اصل و یا دامنه

¹⁰- Ri pet .G.et R. Roblot .traite de droit commercial . t .2 .no .1969

۸- اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۷/۴۳۱۳-۶/۵/۶۵ خود اعلام نموده است که: «نظر به اینکه فروش تریاک به موجب قانون ممنوع می باشد، لذا با انطباق مورد با ماده ۳۴۸ ق. م. ف.روشنده تریاک استحقاق مطالبه چکهای صادره را که به تبع بطلان معامله قابل وصول نمی باشد را نخواهد داشت» مجموعه نظرها مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه در مسائل مدنی، غلامرضا شهری، محمد خرازی، غلامحسین افتاده، حسن اسداللهی، چاپ اول - تابستان ۸۸ - ناشر روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران - صفحه ۲۵۶

^{۱۲} - دکتر محمود عرفانی - حقوق تجارت تطبیقی جلد ششم انتشارات جنگل چاپ اول ۱۳۸۸ صفحه ۵۲

و وسعت اعمال آن اختلاف نظر وجود دارد با این وجود رویه قضایی متمایل به پذیرش و اعمال آن در دعاوی اسناد تجاری است^{۱۳} در چنین وضعیتی اگر دارنده سند تجاری با سوء نیت سندی را تحصیل نکرده باشد ایرادات امضاء کنندگان در خصوص روابط بین خود که منجر به صدور یا گردش سند تجاری گردیده در مقابل دارنده مسموع نیست حتی اگر سند تجاری با تقلب تحصیل شده باشد مثلاً فردی یک فقره چکی را که در وجه حامل صادر شده سرقت و آنرا بابت دین خود به دیگری منتقل نماید سپس منتقل الیه آنرا ظهر نویسی و به فرد دیگری واگذار کند در صورت بی اطلاعی دارنده از مسروقه بودن چک، این ایراد در مقابل او پذیرفته نیست و دادگاه حکم به محکومیت تمامی امضاء کنندگان صادر می نماید. حال عکس این قضیه را در نظر بگیریم کسی یک سند تجاری را که در وجه حامل صادر شده و چندین بار ظهرنویسی شده سرقت می نماید متعاقباً علیه صادر کننده و ظهر نویسان سند طرح دعوی نموده و محکومیت تضامنی آنها را به نفع خود تحصیل می نماید و رای مذکور قطعی می گردد. متعاقباً یکی از امضاء کنندگان اثبات می نماید که سند مذکور توسط دارنده به سرقت رفته است و با اثبات این موضوع، مستند به بند ۵ ماده ۴۲۶ ق.آ.م. تقاضای اعاده دادرسی نسبت به رای صادره را می نماید، در چنین وضعیتی اگر رای صادره را قابل تجزیه بدانیم پذیرش اعاده دادرسی خواهان دعوی مذکور، موجب تسری نقض رای به سایر امضاء کنندگان سند تجاری که محکوم علیهم آن پرونده هستند نخواهد بود و چنانچه رای را غیر قابل تجزیه بدانیم نقض رای در اثر اعاده دادرسی به دیگر محکوم علیهم نیز تسری خواهد یافت. بنظر می رسد اثبات اینکه دارنده با حسن نیت نیست نه تنها موجب نقض رای در حق معترض خواهد بود بلکه اثر این نقض به سایر محکوم علیهم نیز تسری خواهد داشت.

۳- نقض رای به علل دیگر

۱-۳ اثبات پرداخت وجه سند تجاری به دارنده

درست است که به موجب ماده ۲۴۹ قانون تجارت مسئولیت امضاء کنندگان سند تجاری در برابر دارنده تضامنی است با این وجود با پرداخت وجه سند تجاری توسط هر یک از مسئولین آن سند، سایر امضاء کنندگان سند تجاری در برابر دارنده بری الذمه خواهند شد. بدیهی است این امر مانع مراجعه پرداخت کننده به سایر مسئولین سند براساس نوع رابطه آنها نخواهد بود.^{۱۴} ماده ۲۶۸ قانون تجارت مقرر می دارد که: «اگر مبلغی از وجه برات پرداخت شود به همان اندازه برات دهنده و ظهرنویسها بری می شوند و دارنده برات فقط نسبت به بقیه می تواند اعتراض کند» اگر چه ماده مرقوم مربوط به پرداخت جزئی از مبلغ برات است لکن بدیهی است که به طریق اولی پرداخت کل مبلغ برات، سایر مسئولین آنرا از کل مسئولیتشان در برابر دارنده بری خواهد نمود حال فرضی را در نظر بگیریم که دارنده چکی علیه صادر کننده، ظهرنویسها و ضامن طرح دعوی نموده و به موجب ماده ۲۴۹ قانون تجارت محکومیت تضامنی آنها را تحصیل می نماید با وجود اینکه در پرونده مذکور خواندگان متعدد هستند ولی بالفرض مثال تنها یکی از ظهرنویسها از رای محکومیت خود تقاضای تجدید نظر خواهی می نماید و اثبات می کند که صادر کننده وجه چک را بصورت نقدی به دارنده پرداخت نموده لکن لاشه آنرا مسترد

۱۳- شعبه چهارم دیوان عالی کشور در دادنامه مورخ ۱۳۲۸/۱/۲۰ استدلال دادگاه بدوی بر بی حقی دارنده سفته در مطالبه آن از صادر کننده بعلمت اینکه تمهد ظهر نویس بر انتقال خانه خود به صادر کننده بوده و اجرا نشده است را در مقابل دارنده سفته که اطلاعی از این امر نداشته را صحیح ندانسته است.

۱۴- این حق مراجعه از ویژگی مراجعه دارنده به مسئولین سند تجاری را برخوردار نیست و تابع مقررات قانون تجارت نیست بلکه حق مراجعه دارنده تابع مقررات قانون مدنی است.

نموده است در چنین وضعی بدیهی است که نقض رای در دادگاه تجدید نظر بر اثر اعتراض یکی از ظهرنویسها، در حق دیگر محکوم علیهمی که اعتراض نکرده اند موثر است در واقع هر دینی با یک بار پرداخت منتفی می گردد و با این وصف رای دادگاه تجدید نظر غیر قابل تجزیه است و در حق تمامی مسئولین سند تجاری موثر می باشد.

۲-۳ اثبات امانی بودن چک

اثبات امانی بودن چک در ید دارنده از همان وضعیت اثبات پرداخت وجه آن برخوردار است و در صورت نقض رای بدین سبب، آثار رای منقوض در حق امضاء کنندگانی که معترض رای نبوده اند نیز موثر است. بالفرض مثال مستاجری بابت تضمین تخلیه یکباب مغازه چکی را بصورت امانی در وجه موجر صادر و دو فرد دیگر نیز بعنوان ضامن ظهر آنرا امضاء می نمایند علیرغم تخلیه مورد اجاره در انقضاء مهلت، چک موصوف در ید موجر باقی می ماند و او برخلاف رسم معهود، وجه چک را مطالبه می نماید و محکومیت صادر کننده و ضامنین را در دادگاه بدوی تحصیل می نماید با وخواهی یا تجدید نظر خواهی یکی از محکوم علیهم و اثبات امانی بودن چک و نقض رای، محکومیت سایرین نیز که به رای اعتراض نکرده اند منتفی خواهد بود. چه اینکه نقض رای بدین جهت در حق سایرین موثر بوده و اصطلاحاً رای غیر قابل تجزیه است این وضعیت تا زمانی است که چک به گردش در نیامده باشد در صورتی که دارنده امانی چک را به شخص ثالثی منتقل و منتقل الیه از امانی بودن چک اطلاعی نداشته باشد این ایراد در مقابل دارنده با حسن نیت مسموع نیست.

۳-۳ اثبات عدم رعایت تکالیف دارنده سند تجاری

دارنده سند تجاری باید در صورت عدم پرداخت وجه سند در سر وعده به مسئولان سند که در ماده ۲۴۹ قانون تجارت به آنها اشاره شده است مراجعه کند در برات مسئولان سند، صادر کننده، براتگیر، ظهرنویس و ضامنین هستند. در چک و سفته مسئولین محدود به صادر کننده و ظهرنویسها و ضامنین هستند. این حق مراجعه در صورتی است که دارنده به یکسری تکالیف مقرر در قانون تجارت عمل نموده باشد. مثلاً در مورد برات می بایستی ظرف مهلت قانونی اعتراض کند، در صورت ضرورت اخذ قبولی، برات را به موقع برای قبولی ارائه دهد و در مورد برات به رویت ظرف یکسال از تاریخ اعتراض، اقامه دعوی کند. قانون متحد الشکل ژنو دارنده ای را که به تکالیف قانونی خود عمل نکرده باشد دارنده بی احتیاط تلقی کرده، حق او را در طرح مسئولیت تضامنی مسئولان برات، جز در مورد براتگیری که برات را قبول کرده است ساقط می داند (ماده ۵۳) اما در حقوق ایران نتیجه عدم اعمال تکلیفی که بر عهده دارنده است حسب اینکه مسئول چه کسی است متفاوت است بالفرض مثال در صورت عدم رعایت مهلتهای مندرج در مواد ۲۸۶ به بعد قانون تجارت، دعوی دارنده برات علیه ظهرنویسها پذیرفته نمی شود «ماده ۲۸۹» در مورد ضامن حق مراجعه دارنده به او بر حسب اینکه ضامن از کدامیک از مسئولان ضمانت کرده باشد متفاوت است به موجب قسمت اخیر ماده ۲۴۹ قانون تجارت: «ضامنی که ضمانت برات دهنده یا براتگیر یا ظهرنویس را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است» بنابراین اگر ضامن از ظهرنویس ضمانت کرده و دارنده مهلتهای مقرر در مواد ۲۸۶ به بعد قانون تجارت را رعایت نکرده همانطور که حق مراجعه به ظهرنویس را ندارد حق مراجعه به ضامن او را نیز نخواهد داشت در خصوص سفته نیز به موجب ماده ۳۰۹ قانون تجارت «تمامی مقررات راجع به بروات تجاری (از بحث چهارم الی آخر فصل اول باب چهارم) در مورد سفته لازم الرعایه است».

ملاحظه می گردد که محکومیت تضامنی هر یک از مسئولین سند تجاری منوط به رعایت برخی تکالیف توسط دارنده سند تجاری است. حال در آنجا که علیرغم عدم رعایت هر یک از این تکالیف، رای به محکومیت تضامنی امضاء کنندگان سند تجاری صادر شده و یکی از امضاء کنندگان به استناد اینکه دارنده به تکالیف قانونی خود نسبت به او عمل ننموده اقدام به

انتخاب یکی از طرق اعتراض به آن رای می‌نماید چنانچه با احراز این موضوع رای اولیه مواجه با نقض گردد، علی‌القاعده نقض رای به دیگر مسئولین سند تجاری تسری نمی‌یابد و در اینجا قائل به غیر قابل تجزیه بودن رای هستیم. استثناء این قاعده فقط در خصوص ضامن آن فرد است و از آنجا که ضامن فقط با شخصی که از او ضمانت کرده در مقابل دارنده مسئولیت دارد نقض رای بعلت عدم رعایت تکالیف قانونی توسط دارنده نسبت به هر یک از صادر کنندگان، ظهرویس و یا براتگیر، برائت ضامن آن فرد را نیز در پی داشته و نقض رای به او نیز تسری خواهد یافت.

۴- معیار تجزیه پذیری یا عدم تجزیه پذیری دعاوی مطالبه اسناد تجاری

گفتیم که آراء دادگاهها فقط در موارد نادری قابل تجزیه و تفکیک نیست و غیر قابل تجزیه بودن آراء ممکن است ناشی از حکم قانون یا طبیعت شیء و یا عقلی باشد. به عبارت دیگر حکم در صورتی قابل تجزیه و تفکیک نمی‌باشد که قانوناً، طبیعتاً یا منطقاً، تصور اعتبار جزئی از آن و بی اعتباری جزء دیگر آن غیر ممکن باشد دیگر اینکه غیر قابل تجزیه و تفکیک بودن حکم باید ناشی از سببی باشد که بین محکوم علیه مشترک است^{۱۵}. برخی دعاوی ذاتاً غیر قابل تجزیه هستند فی‌المثل در دعوی اثبات نسب علیه ورثه فردی حکم به نفع خواهان صادر گردیده است چنانچه رای بعلت و اخواهی یکی از ورثه نقض گردد بی گمان نقض رای در حق سایر ورثه که و اخواهی نگردد اند موثر خواهد بود. در این موضوع علت نقض هر چه باشد در قابل تجزیه یا غیر قابل تجزیه بودن رای موثر نیست چه اینکه عقلاً قابل تصور نیست که نسبت خواهان به تعدادی از ورثه اثبات و نسب به برخی دیگر مردود گردد. در واقع در این مورد عنوان دعوی موضوعیت می‌یابد. مثالهای دیگری نیز می‌توان از این دست مطرح نمود مانند دعوی اثبات حق مجری یک ملک در ملک مجاور که دارای دو مالک مشاع می‌باشد در این دعوی نیز چنانچه حکم بدوی به نفع خواهان باشد و تنها یکی از مالکین مشاع نسبت به رای تجدید نظر خواهی کند نقض رای بواسطه تجدید نظر خواهی او بی شک در حق دیگر مالک که تجدید نظر خواهی ننموده نیز موثر خواهد بود. اما در خصوص اسناد تجاری نمی‌توان معیار مطلقى جهت تجزیه پذیری یا عدم تجزیه پذیری آنها ارائه نمود در واقع در این دعاوی عنوان خواسته علی‌القاعده واحد است در همه این دعاوی خواهان، وجه اسناد تجاری را مطالبه می‌نماید و در صورت پذیرش دعوی او، رای به محکومیت امضاء کنندگان سند تجاری بصورت تضامنی صادر می‌گردد. آنچه موجب تجزیه پذیری یا عدم تجزیه پذیری این آراء می‌گردد علت نقض رای در اثر اعتراض یک یا چند نفر از محکوم علیه و نه همه آنها است. چنانچه علت نقض رای مشترک بین همه آنها باشد به نحوی که موجب اثبات عدم ذی‌حقی خواهان نسبت به اصل مطالبه گردد، رای غیر قابل تجزیه خواهد شد و نقض آن، برائت همه را در پی خواهد داشت مانند آنکه اثبات شود دارنده سند تجاری دارنده با حسن نیت نیست بالعکس چنانچه علت نقض مختص معترض باشد مانند آنکه معترض اثبات نماید که فقط امضای او جعلی است رای صادره قابل تجزیه خواهد بود و تحصیل برائت او در حق دیگر محکوم علیه موثر نیست لهذا بصورت کلی در این دعاوی عنوان خواسته موضوعیتی ندارد و علت نقض معیار تجزیه پذیری یا عدم تجزیه پذیری آراء خواهد بود علت نقض رای نیز که مشترک بین همه محکوم علیه است غیر از علت مشترک محکومیت است به عنوان مثال در دعوی محکومیت تضامنی چند نفر به پرداخت وجه یک فقره برات، علت و سبب مشترک محکومیت آنها، مسئولیت تضامنی امضاء کنندگان برات است که در ماده ۲۴۹ قانون تجارت به آن اشاره شده است. این علت از جهت محکومیت، مشترک بین همه آنها است ولی موجب غیرقابل تجزیه و تفکیک شدن رای نمی‌گردد لکن اگر

۱۴- آئین دادرسی مدنی جلد دوم دکتر عبدا... شمس انتشارات میزان چاپ دوم صفحه ۳۳۳ شماره ۶۶۷

نسبت به چنین رای‌ی یکی از محکوم‌علیه‌م تقاضای واخواهی یا تجدید نظر خواهی و یا واخواهی نماید چنانچه سبب نقض را بین آنها مشترک باشد اثر فسخ رای به سایر افراد هم سرایت خواهد نمود مشترک بودن سبب نقض رای در دعاوی مطالبه اسناد تجاری ناشی از حکم قانون است آنهم قوانینی که بصورت خاص در مورد این اسناد پذیرفته شده و آنها را از طلب مدنی متمایز ساخته است.

نتیجه گیری

بنا بر آنچه گفته شد تجزیه پذیری دعاوی مطالبه اسناد تجاری از حیث موضوع و آراء صادره مورد بررسی قرار می‌گیرد تجزیه پذیری این دعاوی از حیث موضوع در دو شکل بروز و ظهور خواهد یافت. فرض اول جایی است که کل وجه سند تجاری مطالبه شده و ذی حقی خواهان نسبت به قسمتی از خواسته با اقرار خوانده یا هر طریق دیگر احراز گردیده و قسمت دیگر نیازمند رسیدگی بیشتری است آیا دعوا قابلیت تجزیه را دارد و می‌توان نسبت به قسمت احراز شده رای صادر نمود یا خیر؟ و دیگر اینکه با فرض ادعای ذی حقی دارنده نسبت به کل وجه سند تجاری آیا او می‌تواند فقط نسبت به قسمتی از وجه سند تجاری دعوی مطالبه را مطرح نماید و نتیجه این دعوی در دعوی مطالبه بعدی وجه سند تجاری چیست؟ بنظر می‌رسد وجه تمایز خاصی تجزیه پذیری دعاوی مطالبه اسناد تجاری از حیث موضوع با سایر دعاوی ندارد. با وجود تشتت رویه قضایی در این خصوص مانعی وجود ندارد که در هر دو فرض دعوی را تجزیه پذیر بدانیم و نسبت به صدور رای نسبت به قسمتی از دعاوی مطالبه وجه سند تجاری اقدام نماییم. در این خصوص ویژگی‌های خاص اسناد تجاری تأثیری بر تجزیه پذیری یا عدم تجزیه پذیری آنها نخواهد گذاشت. اما در خصوص تجزیه پذیری آراء صادره در دعاوی مطالبه اسناد تجاری که مبتنی بر آن است که خواندگان پرونده متعدد باشند. ویژگی مسئولیت تضامنی امضاء کنندگان اسناد تجاری و قابلیت نقل و انتقال آن موجب ایجاد مسئولین متعدد در پرداخت این اسناد گردیده است. در نتیجه غالباً در دعاوی مطالبه اسناد تجاری در محاکم با تعدد خواندگان مواجه هستیم که خود موضوع قابلیت تجزیه پذیری یا عدم تجزیه پذیری آراء مرتبط با اسناد تجاری را در پی خواهد داشت. بر طبق مواد ۳۰۸ و ۳۵۹ و ۴۰۴ قانون آئین دادرسی مدنی واخواهی یا تجدید نظرخواهی یا فرجامخواهی یکی از خواندگان در حق دیگر خواندگان موثر نیست مگر اینکه رای صادره غیرقابل تجزیه باشد که در این صورت نقض رای نسبت به کسانی که واخواهی یا تجدید نظرخواهی و یا فرجامخواهی ننموده اند نیز موثر خواهد بود. قانونگذار معیار مشخص برای تشخیص دعاوی قابل تجزیه و غیر قابل تجزیه پیش بینی ننموده است، لکن بصورت کلی غیر قابل تجزیه بودن رای در صورتی است که قانوناً، طبیعتاً یا عقلاً تصور اعتبار جزئی از آن و بی اعتباری بخش دیگری از آن غیر ممکن باشد. در مورد اسناد تجاری بصورت مطلق نمی‌توان آراء صادره در خصوص آنها را قابل تجزیه یا غیر قابل تجزیه دانست. لکن از آنجا که غیر قابل تجزیه و تفکیک بودن آراء ناشی از سببی است که بین محکوم‌علیه‌م مشترک است با توجه به جمیع آنچه که گفته شد در خصوص مفهوم سبب مشترک باید فارغ از عنوان خواسته ارائه طریق نماییم برخلاف برخی دعاوی که رای صادره در خصوص آنها در هر صورت غیر قابل تجزیه است، در خصوص آراء صادره در دعاوی اسناد تجاری نمی‌توان چنین معیار قاطعی ارائه داد بلکه سبب نقض است که آن رای را قابل تجزیه یا غیر قابل تجزیه خواهد کرد. لهذا اولاً عنوان خواسته موضوعیت ندارد و ثانیاً اینکه جهت تعیین معیار می‌بایستی به سبب نقض رای یعنی علت فسخ رای توسط معترض و نه سبب محکومیت محکوم‌علیه‌م توجه شود. به عبارت دیگر منظور از سبب مشترکی که موجب غیر قابل تجزیه و تفکیک بودن رای صادره در مورد مطالبه اسناد تجاری که در آن محکوم‌علیه‌م متعدد می‌گردد، سبب یا علت مشترکی است که موجب فسخ رای گردیده است. سبب نقض با سبب محکومیت در این دعاوی متفاوت است. سبب

محکومیت، مسئولیت تضامنی امضاء کنندگان سند تجاری است که در ماده ۲۴۹ قانون تجارت پذیرفته شده است، لکن سبب نقض ممکن است علل متفاوتی باشد. بررسی موارد نقض آراء صادره در خصوص دعاوی مطالبه وجه اسناد تجاری که در این نوشتار به آن پرداخته شد نشانگر آن بود که ویژگی اصل استقلال امضائات موجب تجزیه پذیری آراء صادره در خصوص مطالبه اسناد تجاری متعاقب نقض آنها بواسطه اثبات جعلی بودن یا عدم اهلیت امضاء کننده یکی از مسئولین سند تجاری پس از اعمال یکی از طرق اعتراض به آراء می گردید، در مقابل نقض رای بواسطه اثبات با حسن نیت نبودن دارنده، موجب تجزیه ناپذیری رای بوده و مسئولیت کل امضاء کنندگان سند تجاری را منتفی می نمود. در مقابل اثبات پرداخت سند تجاری یا امانی بودن آن موجب غیر قابل تجزیه بودن رای گردیده و نقض رای به تمامی محکوم علیهم تسری می یافت و نهایت اینکه اثبات عدم رعایت تکالیف قانونی دارنده سند تجاری نسبت به مسئولین آن، فقط امضاء کننده سند تجاری را که آن تکالیف در برابر او رعایت نشده را از مسئولیت بری می کند در نتیجه چنانچه معترض به رای او باشد، فقط رای نسبت به او نقض خواهد شد و دیگران کماکان مسئول باقی خواهند ماند.

- آئین دادرسی مدنی جلد دوم، دکتر عبدا... شمس، انتشارات میزان، چاپ دوم
- دعاوی طاری و شرایط اقامه آن، دکتر رسول مقصود پور، انتشارات مجد
- مقاله صدور قرار رد دعوی در خصوص مطالبه وجه قسمتی از یک فقره چک فصلنامه رأی - مطالعات آراء قضایی
سال چهارم - شماره ۱۱ - تابستان ۹۴
- حقوق تجارت «برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک» دکتر ربیعا اسکینی، چاپ سوم، انتشارات سمت
- حقوق تجارت، اسناد تجاری، دکتر محمود عرفانی، جلد سوم، انتشارات جنگل، چاپ اول
- حقوق تجارت، دکتر حسن ستوده تهرانی، جلد سوم
- مقاله مروری اجمالی بر تئوری دارا شدن غیر عادلانه در حقوق ایران آمریکا و بین الملل، شیرازی علی اکبر - مجله حقوقی، شماره ۵
- مجموعه نظرهای مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه در مسائل مدنی غلامرضا شهری، محمد خرازی، غلامحسین افتاده، حسن اسداللهی، چاپ اول، تابستان ۸۸ روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
- حقوق تجارت تطبیقی، دکتر محمود عرفانی، جلد ششم، انتشارات جنگل، چاپ اول ۱۳۸۸